سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. خداوند سبحان کتاب جاودانهٔ خود، قرآن را به صفاتی همچون تبیان، برهان، نور، بصائر و مانند آنها ستوده است. پیام مشترک این تعبیرات، هدف اساسی این کتاب را نشان می‌دهد که تغییر رفتار و بهسازی روش و منش عموم مخاطبان آن است. دینی که دنیا را «کشتزار آخرت» می‌داند، به اعمال انسانها بها می‌دهد، تا در پرتو اصلاح کارنامهٔ این جهانیِ آدمیان، آرامش دائمیِ آن جهانی را برایشان رقم بزند.

۲. برای تحقق این هدف والا، تدبر در قرآن و تبیین معانی آن ضرورت دارد. این مهم، از نخستین روزهای نزول قرآن آغاز شده که تبیین‌ها و توضیحات رسول خدا گواه این مدّعا است. در درازنای سده‌های پسین نیز، دانشوران در این مسیر گام نهادند که صدها تفسیر و دیگر کتابهای موجود، صرف نظر از درونمایهٔ این کتابها که قابل نقد و بررسی است، نشان این رهپویی است.

۳. امّا در سده‌های اخیر، ورود خاورشناسان غربی و اسلام‌شناسان غیرمسلمان به این وادی، فضایی جدید در عرصهٔ شناخت و فهم و شناساندن و گسترش آموزه‌های قرآنی گشود که آن را «پژوهش‌های قرآنی» نامیدند. این فضای تازه سرشار از تتبع و روشمندی ویژه است، ولی یکی از ویژگی‌های بارز آن، این است که پژوهشگر گاهی بدون التزام عقیدتی به قرآن و عقاید اسلامی دست به تحقیق می‌زند. آنان در فضای پژوهش جدید، این ویژگی را مخلّ به نتایج و یافته‌ها نمی‌بینند. این ویژگیِ بارزِ بیشتر پژوهش‌های قرآنی جدید است که فعلاً در صدد بررسی تمام جوانب آن نیستیم.

٤. اگر بخواهیم این کارنامهٔ پربرگ را تقسیم کنیم، می‌توان از زوایای متنوع بدان توجه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

کرد؛ از جمله این زاویه که آنها را در دو گروه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی بنگریم. پژوهش‌های بنیادی تنها مسائل نظری را با چشم‌پوشی از اهداف و نتایج کاربردی آنها هدف می‌گیرد، ولی در تحقیقات کاربردی، از همان آغاز کار، هدف عملی خاصّ مورد نظر است. پژوهش‌های مرتبط با اخلاق قرآنی در شمار گروه دوم جای می‌گیرد که حجم انبوهی از کتابها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است.

۵. از سوی دیگر، در افق پژوهش نگاری به معنای عامّ کلمه، عنوان «اخلاق پژوهش و نگارش» جلب نظر می‌کند. این عنوان که زیرمجموعهٔ «اخلاق حرفه‌ای» است، پژوهش‌ها را نه از زاویهٔ شاخص‌هایی مانند ساختار و درونمایهٔ علمی و اعتبار منابع و قوت تحلیل؛ بلکه از زاویهٔ رعایت اخلاق و آداب پژوهش می‌نگرد و با همین شاخص به یک تحقیق نمره می‌دهد. طبعاً «اخلاق پژوهش و نگارش» در حیطه‌های مختلف مطرح می‌شود، مانند ادبیات و روانشناسی و مهندسی و پزشکی و غیره. لذا در میان این شاخه‌ها و گرایش‌ها، مشترکات و مفترقاتی می‌توان یافت. این وجوه اشتراک و افتراق را در هر یک از این شعبه‌ها بررسی کرده‌اند که این قلم انداز را مجال بازگوی این مطالب نیست.

٦. از جانب دیگر که بنگریم، در میان انبوه پژوهش‌های قرآنی باید به مدد اعتبارسنجی گزینشی مفید صورت گیرد، وگرنه در میان این سیل دانسته‌های و یافته‌ها غرق می‌شویم، بی‌آنکه راه به جایی ببریم. بخشی از این ضوابط ارزیابی را باید در رعایت «اخلاق پژوهش قرآنی» دانست. طبعاً باید ابتدا ضوابط این اخلاق حرفه‌ای استخراج شود. آنگاه، اگر نه در سطح عموم، دستکم هر پژوهشگر در خلوت و نهان خود، در آینهٔ این شاخص‌ها خود را نیک بنگرد و کارهایش را بازنگری و بازنگاری کند.

۷. این نکته در مورد تمام تحقیقات ضرورت دارد، ولی در پژوهش‌های قرآنی ضرورت مضاعف می‌یابد؛ از آن روی که در اینجا در دو مرحله با عناصر وحیانی روبروییم: هم در مرحلهٔ داده‌ها، در بارهٔ داده‌های برگرفته از وحی سخن می‌گوییم و هم در مرحلهٔ خروجی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

پژوهش، با مردمی مواجه می‌شویم که اگر نه تمامشان، دستکم بخش عمده‌ای از آنها، یافته‌های تحقیق را «چراغ راه» می‌دانند و بر اساس آن مسیر زندگی این جهانی و آن جهانیِ خود را تعیین می‌کنند. حساسیت مضاعف ورودی و خروجی این سامانه، ما را به دقت مضاعف در رعایت اخلاق پژوهش قرآنی وا می‌دارد.

۸. قدمای ما، شاید بدان روی که این مطالب را بدیهی می‌دانستند، بدان ورود نکردند و فصلی از کتابهای خود در علوم قرآنی را بدان اختصاص ندادند. شاید هرگز در مخیّلهٔ آنها نمی‌گنجید که جریانی گسترده شکل بگیرد، جریانی از دانشورانی که بی‌اعتقادیِ خود به قرآن را اعلام دارند و همزمان، به تتبع فراگیر و پی‌جوییِ موردی در باب آموزه‌های قرآنی اقدام کنند. از سوی دیگر، در متن قرآن و در احادیث معتبر نیز، فصلی خاصّ این موضوع نه در گذشته شکل گرفته بود و نه تا کنون سامان یافته است.

لذا این یادداشت کوتاه، اولاً پیشنهاد می‌دهد که دستکم درسی تحت این عنوان در برنامهٔ درسهای قرآنی حوزه و دانشگاه مطرح شود. ثانیاً چند خط از این طرح را، به اقتضای اختصار این گفتار ترسیم می‌کند.

۹. یکی از بایسته‌های قطعی در پژوهش‌های قرآنی، خلوص و اخلاص جدّی است که کار پژوهشگر، «للّه» باشد. این اخلاص در دو جهت خود را نشان می‌دهد:

الف. در جهت عملی که پژوهشگر کار خود را برای نام و نان انجام ندهد، خود را از ریا و سُمعه دور بدارد، قرآن سترگ را نردبانی برای ارتقای موهوم در دنیای گذرا به شمار نیاورد و در یک کلام، جز به خدای سبحان و رضای او نیندیشد.

ب. در بُعد علمی که پژوهشگر پیش از ابراز سخنان خود و ثبت شفاهی یا کتبی آن مطالب در آنها نیک بنگرد، هر کلامی را نگوید و هر مسیری را نپوید. در اینجا دقتی شایان توجه لازم است که از التقاطها و پیشداوری‌ها و تفسیر به رأی‌ها خود را دور بدارد.

۱۰. سکوت در برابر نادانسته‌ها، در همهٔ صحنه‌های علمی حکم عقل است؛ ولی در این عرصه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

ضرورتی جدی‌تر دارد. این پیمانی است استوار که خدای بزرگ از همگان گرفته و مسئولیت عالمان در بارهٔ آن جدی‌تر است. «أَ لَمْ يُؤْخَذْ عَلَيهِمْ ميثاقُ الْكِتابِ أَنْ لا يقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلاَّ الْحَق» (اعراف، ۱۶۹).

بلکه گاهی سکوت از دانسته‌ها نیز ضرورت می‌یابد؛ آنجا که بیان برخی از یافته‌ها و حتی برخی از حقایق، تالی فاسدی در پیش داشته باشد.

و گاه ما را از سؤال‌های نابجا نیز بر حذر داشته‌اند. «يا أَيهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْياءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُم» (مائده، ۱۰۱).

۱۱. باید این واقعیت را همگان، به ویژه دانشوران علوم قرآنی بپذیرند که درهای بسیاری از حقایق به روی ما بسته است. اقرار به این واقعیت، حکم عقل و نقل است که: «ما أُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاَّ قَليلاً» (اسراء، ۸۵).

لذا نباید از آنچه بدان علم نداریم تبعیّت کنیم، چرا که مسئولیت این رفتار زشت، بسیار سنگین است: «وَ لا تَقْفُ ما لَيسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً» (اسراء، ۳۶). روشن است که «علم» در این آیهٔ شریفه، حقیقتی است روشن، فراتر از ظنون و اوهامی که ما آنها را به مسامحه «علم» نامیده‌ایم. در اینجا سخن از حقایقی است که روشن‌تر از خورشید، آنها را می‌بینیم و به همان درجه باید به آنها باور داشت.

۱۲. ظنّ و گمان، شاید در دانشهای رایج بشری مفید باشد، بدان جهت که گامی در راه دستیابیِ ما به دانش‌های اکتسابی باشد؛ به گونه‌ای که در فرآیند «فرضیه – آزمون – ابطال یا عدم ابطال»، انسان را به دستاوردی زمینی برساند. اما هویت علوم قرآنی برگرفته از حقایق قطعی اسمانی است؛ لذا تخمین‌ها و گمان‌های رایج دانش های بشری در اینجا راه ندارد. بلکه اگر در فضای پژوهش‌های قرآنی راه یابد، باید آن را «گامی در خلاف جهت» برشمرد، نه پیشرفت در این مسیر. این کلام سترگ الهی است که هشدار می‌دهد «ظنّ» ما را نه به حق می‌رساند: «وَ ما يتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلاَّ ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لا يغْنى مِنَ الْحَقِّ شَيئاً» (یونس، ۳۶)، و نه به علم: «وَ ما لَهُمْ بِهِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ» (نجم، ۲۸).

بدین روی، به فرض که پژوهشگر قرآنی با پیمودن صحیح و خالصانهٔ مسیر به مطالبی دست یابد، تا زمانی که یقین به صحت آنها نیافته، به حکم اخلاق نباید آنها را ابراز دارد؛ چرا که قرآن به صراحت او را از این کار بازداشته است.

۱۳. یکی از بایسته‌های دانشهای قرآنی که از اختصاصات این دانشها در میان دانشهای دیگر به شمار می‌آید، «وابستگی آن به عمل صالح و خالصانه» است. پیوند ناگسستنی میان این شاخص-ها – معرفت دینی، باور صحیح، عمل صالح – آنچنان استوار است که گویی بدون هر یک از این شاخص‌ها، دو مورد دیگر به کار نمی‌آیند. عمل صالح، سبب ژرفا دهی به معرفت و باور می‌شود، چنانکه قرآن ناطق، امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ؛ وَ الْعِلْمُ يهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْه» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳٦٦)

در جانبی دیگر، می‌بینیم که ترک عمل صالح یا روی آوردن به عمل زشت، آن دو عنصر دیگر را از انسان می‌گیرد، بلکه سبب خشم شدید خداوندِ مهرگستر می‌شود: «کبر مقتاً عندالله أن تقولوا ما لا تفعلون» (صف، ۳). به بیان دیگر، علم دینی هم مرتبهٔ انسان و هم مسئولیت او را بالا می‌برد. این همان حقیقتی است که در یک آیهٔ جامع بیان می‌شود: «قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (زمر، ۹)

۱٤. پژوهشگر قرآنی نباید وابسته به ستم پیشگان باشد، بلکه حتی نباید به آنها تمایل قلبی داشته باشد. این هشدار قرآنی خطاب به همگان است و برای عالِم علوم قرآن، شدیدتر: «وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِياءَ ثُمَّ لا تُنْصَرُون» (هود، ۱۱۳). نکتهٔ مهم در اینجا آن است که ظلم، منحصر به ستم حاکمان نیست؛ بلکه انواع ظلم‌های حکومتی، رفتاری، عاطفی، علمی و مانند آن را می‌توان از سرپرستان خانوارها، همسایگان و به ویژه دانشمندان انتظار داشت. وابستگی به هر یک از اینها –که زیرمجموعهٔ وابستگی به دنیا است– عواقب خود را دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

در ضمن وحی الهی خطاب به حضرت داود که امام کاظم علیه‌السلام روایت می‌کند، آمده است: «قُلْ لِعِبَادِی لَا یَجْعَلُوا بَینِی وَ بَینَهُمْ عَالِماً مَفْتُوناً بِالدُّنْیا، فَیصُدُّهُمْ عَنْ ذِکْرِی وَ عَنْ طَرِیقِ مَحَبَّتِی وَ مُنَاجَاتِی. أُولَئِكَ قُطَّاعُ الطَّرِیقِ مِنْ عِبَادِی؛ إِنَّ أَدْنَی مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِی وَ مُنَاجَاتِی مِنْ قُلُوبِهِم». (تحف العقول، ص ۳۹۷).

۱۵. یکی از مهمترین وظایف همگان، خصوصاً عالِمان دین، در محضر قرآن، این است که در عمل به وصیت گرامی رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرآن را از رسول خدا و ائمهٔ هدی علیه و علیهم السلام جدا نکنیم. در قرآن (سوره قیامت، آیات ۱۸ و ۱۹) نزول قرآن و تبیین آن را منحصراً بر عهدهٔ خداوند سبحان می‌شمرد و در موضع دیگر (سوره نحل، آیات ٤٤ و ٦٤) یکی از شؤون پیامبر خاتم را «تبیین قرآن» می‌داند. در مقام جمع میان این دو بیان، باید گفت که تبیین الهی از زبان حقگوی پیامبرش به گوش مردم می‌رسد؛ چنانکه در جای دیگر، «آسان شدن قرآن برای مردم» را از طریق «زبان پیامبر» می‌خوانَد: «فَإِنَّما یسَّرْناهُ بِلِسانِك» (مریم، ۹۷؛ دخان، ۵۸).

این شأن الهی پس از رسول خدا به امامان معصوم می‌رسد و آنان همانند نیای والامقام خود، مبیّن قرآن‌اند، چنانکه حدیث متواتر ثقلین و نصوص وحیانی دیگر بر آن دلالت می‌رساند؛ افزون بر آنکه صدق کلام نبوی را در صفحات تاریخ می‌توان دید که تعامل عترت با قرآن را در طول سده‌ها می‌توان با تعامل دیگران دید و عبرت گرفت.

۱٦. آنَک هر کسی که این دو رشتهٔ هدایت الهی را گسسته از هم ببیند، به هر دو یادگار ماندگار رسول رحمت ستم روا داشته و به ناسپاسیِ چنین نعمت والایی گرفتار آمده است. کیفر سخت این کفران را در آنجا می‌توان دید که انسان با این انتخاب زشت، قرآن، این گنجینهٔ هدایت را، برای خود به «دستمایهٔ خسران» بدل می‌کند، و به سوء اختیار خود، این نعمت الهی را برای خود به نقمت مبدّل می‌سازد. این هشدار الهی را باید به گوش دل شنید و بر جان نشاند که فرمود: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ لا یزیدُ الظَّالِمِینَ إِلاَّ خَساراً» (اسراء، ۸۲).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]

در این راستا، درخواستی را که امام سجاد علیه‌السلام در گرامی روز عرفه به ما می‌آموزد، باید هماره نه تنها سرلوحهٔ دعاهای خود، بلکه خطّ روشن پژوهش‌های قرآنی خود قرار دهیم: «وَ لَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً، وَ لَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يداً وَ نَصِيرا» (صحیفهٔ سجادیه، اواخر دعای ٤٧).

۱۷. پژوهشگر قرآنی در صورت بی‌توجهی به چنین بایسته‌هایی – که یک حرف از هزاران آن در این سطور نگاشته آمد – در جایگاه «تجاوزگران» قرار می‌گیرد که با لغزش و ضلالتش نه تنها خود را، بلکه امّتی را به لغزش و ضلالت می‌کشاند، و مصداق آیهٔ قرآن می‌شود: «وَ إِنَّ كَثِيراً لَيضِلُّونَ بِأَهْوائِهِمْ بِغَيرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدين» (انعام، ۱۱۹). روایات باب «ذمّ علماء السوء و لزوم التحرّز عنهم» (بحار الانوار، ج ۲ ص ۱۰۵ – ۱۱۱) هر یک به زبانی آفات جبران ناپذیر چنین دانشمندانی را بیان می‌دارد که این مختصر را مجال بازگوی آنها نیست.

از یک سوی ما را به تعلّم و تعلیم علوم قرآن امر فرموده‌اند و از سوی دیگر، راهی چنین پرخطر در پیش داریم. چه کنیم؟ به نظر می‌رسد که امروز بیش از همیشه، و تلاشگران عرصهٔ دانشهای قرآنی بیش از دیگران، وظیفه دارند به حکم الهی عمل کنند که فرمود: «وابتغوا إليه الوسيلة» (مائده، ۳۵).

و امروز، وسیلهٔ راه جستن به حریم مقدّس رضای الهی و پناهگاه امّت در برابر این همه خطرات فراوان و رنگارنگ، آستان مقدس مهدوی است که در باره حضرتش بحق گفته‌اند:

خاتم عترت و روح قرآن جان ایمان بوَد معنی دین

باید به محضر مقدّس آن امام همام، سلامی از جان دهیم و از بن دندان به تعلیم حضرتش بازگوییم: «السلام علیک حین تقرأ و تبیّن»؛ آنگاه امید بریم که سایهٔ عنایت حضرتش بر سر ما مستدام باشد و از شرّ دزدان ایمان و ظلمات این راه و خطر گمراهی در امان بمانیم. چنین باد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.19.73.7.8]